

# مهاجرت علما و دانشمندان و اثرات منفی و مثبت آن بر افغانستان

## Migration of Scholars and Academics: Its Positive and Negative Impacts on Afghanistan

سرمحقق عبدالرحمن حکیمزاد<sup>۱</sup>، عبدالرقيب انصاف نیازی<sup>۲</sup> و استاد عبدالقادر غزنوی<sup>۳</sup>

DOI: 10.64104/v10.Issue17.n27.2025

### چکیده

مهاجرت علما و دانشمندان افغانستان پدیده‌ای است که در پی جنگ‌های تحمیلی، بی‌ثباتی سیاسی، ناامنی و محدودیت‌های دینی و اجتماعی، طی نیم قرن اخیر، همواره وجود داشته است. این مهاجرت‌ها، که اغلب به صورت اجباری و در پی تهدیدات جانی یا محدودیت‌های شغلی صورت گرفته است، طی ده‌ها سال، منجر به خروج سرمایه ارزشمند انسانی از کشور شده است. درین مدت، علمای دین، استادان پوهنتون، محققان و متخصصان افغان برای ادامه زندگی و حفظ امنیت شخصی، به کشورهای دور و نزدیک مهاجرت کرده‌اند.

این روند، ضمن اینکه فرصت‌هایی را برای تعاملات علمی و تجارب بشری فراهم کرده، آسیب‌های جدی به نظام علمی، آموزشی و تحقیقی افغانستان وارد نموده است. پیامدهای این نوع مهاجرت، نیازمند اهتمام جدی مسئولین امارت اسلامی است، تا از تبعات منفی این پدیده جلوگیری نموده، دانشمندان مهاجر را مورد تفقد خویش قرار دهند و از علم و تجارب آنها در بازسازی تعلیمی و فرهنگی کشور، استفاده شایانی بنمایند.

### روش و هدف تحقیق

این مقاله به روش تحلیلی و استقرائی به گونه‌ی کتابخانه‌ای نگارش یافته است. مقصد از این پژوهش متبلور ساختن پیامدهای مثبت و منفی مهاجرت علما و دانشمندان به خارج از کشور است که برای خود آنها و هموطنان چه تبعاتی را به دنبال دارد و ضمناً راهکارهای جلوگیری از آن را نیز بیان می‌دارد.

واژگان کلیدی: علمای افغانستان، مهاجرت، چالش‌ها، فعالیت، پیامدهای مثبت و منفی

<sup>۱</sup>. آمر دیپارتمنت اصول فقه معاونیت علوم اسلامی آکادمی علوم افغانستان. [hakimzadhakimzad@gmail.com](mailto:hakimzadhakimzad@gmail.com)

<sup>۲</sup>. استاد پوهنچی شرعیات پوهنتون سلام، 93781385762، [insafniazi1000@gmail.com](mailto:insafniazi1000@gmail.com)

<sup>۳</sup>. استاد پوهنچی شرعیات پوهنتون سلام، 0771610929، [Abdulqaderghaznavi2022@gmail.com](mailto:Abdulqaderghaznavi2022@gmail.com)

افغانستان طی صد سال اخیر، با بحران‌های متعدد سیاسی، امنیتی و اقتصادی مواجه بوده که تأثیرات عمیقی بر نهادهای علمی و آموزشی کشور گذاشته است. یکی از پیامدهای این بحرانها مهاجرت گسترده‌ی علما و دانشمندان افغان به خارج از کشور بوده است. این پدیده، چالش‌های قابل توجهی را در مسیر توسعه علمی و فرهنگی افغانستان ایجاد کرده است. نوشته‌ی حاضر ضمن اینکه علل مهاجرت علما و دانشمندان از کشور را به بررسی می‌گیرد، مهم‌ترین فعالیت آنان در دیار مهاجرت را روشن ساخته و بعد از آن پیامدهای مثبت و منفی مهاجرت علما و دانشمندان را دنبال نموده و نتایج و پیشنهادهای آن را به مراجع ذیربط امارت اسلامی افغانستان تقدیم می‌دارد.

### علل مهاجرت علما و دانشمندان

علما و دانشمندان افغانستان در مقاطع مختلف تاریخ افغانستان، با نظام‌های سیاسی مشت و گریبان بودند؛ البته این امر ناشی از نادیده گرفتن تعلیمات اسلام توسط زمامداران، و عدم توجه به حقوق شرعی اتباع کشور بوده است. از آنجایی که در نظام سیاسی اسلام، شوری اصل است و قرآن به تأکید، امر به شوری و مشوره نموده است: ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾<sup>(۴)</sup> و کسانی که [ندای] پروردگارش را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده‌اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند.

الله متعال در این آیه مسلمان را چنین معرفی می‌دارد که پس از ایمان به پروردگار و ادای نماز به شوری وقع می‌گذارد، از این آیه ثابت می‌شود کسی که به شوری ملزم و پایبند نماند، اسلامیتش خدشه می‌بیند. (وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ)، و این تعبیر (یعنی اینکه «کارهایشان را با مشورت یکدیگر انجام می‌دهند») تمام امور آنان را در چارچوب شورا قرار می‌دهد، تا رنگ و بویی یکتا به همه زندگی ببخشد. و همان طور که گفتیم، این آیه در مکه نازل شده است؛ یعنی پیش از تأسیس دولت اسلامی. بنابراین، این ویژگی (شورایی بودن) گسترده‌تر و فراگیرتر از دولت است در زندگی مسلمانان. این ویژگی، ویژگی جماعت اسلامی است در همه حالاتش، حتی اگر هنوز دولت به معنای خاص آن در میانشان شکل نگرفته باشد.

در واقع، دولت در اسلام چیزی نیست جز برآیندی طبیعی از جماعت و ویژگی‌های ذاتی آن. جماعت اسلامی در خود مفهوم دولت را دارد و همراه با آن به تحقق نظام اسلامی و سیطره آن بر زندگی فردی و اجتماعی می‌پردازد. از این رو، ویژگی شوری در جامعه اسلامی از همان آغاز پدیدار شد، و مفهوم آن گسترده‌تر و ژرف‌تر از محدوده دولت و امور حکومتی بود. شوری ویژگی ذاتی زندگی اسلامی است، و نشانه‌ای متمایز برای جماعت برگزیده‌ای که برای رهبری بشریت انتخاب شده است. این ویژگی از ضروری‌ترین ویژگی‌های رهبری به شمار می‌رود. اما شکل و قالبی که شورا در آن اجرا می‌شود، قالبی خشک و تغییرناپذیر نیست؛ بلکه به صورتی واگذار شده که متناسب با هر محیط و زمان باشد، تا آن ویژگی (شورایی بودن) در زندگی جماعت اسلامی تحقق یابد. همه نظام‌های اسلامی، شکل‌هایی خشک و ایستا یا متون لفظی نیستند؛ بلکه پیش از هر چیز، روحی هستند که از استقرار حقیقت ایمان در دل پدید می‌آید و احساس و رفتار انسان را بر پایه آن حقیقت شکل می‌دهد.<sup>(۵)</sup>

<sup>۴</sup>- الشوری/ 38.

<sup>۵</sup>- سید قطب، فی ظلال القرآن، المكتبة الشاملة، القسم: تفسير القرآن العظيم، ج: 34، ص: 43.

افزون بر این کسانی که به آرای دیگران ارج نمی گذارند و خودکامه و خودخواه می شوند، قرآن کریم ایشان را مورد نکوهش قرار می دهد، چنانچه در مورد فرعون می گوید: ﴿مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ﴾. (۶) جز آنچه می بینم به شما نمی نمایم و شما را جز به راه راست راهبر نیستم.

قرآن کریم از طغیان فرعون این گونه یادآور می شود: ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾. (۷)

فرعون در سرزمین [مصر] سر برافراشت و مردم آن را طبقه طبقه ساخت طبقه ای از آنان را زبون می داشت پسرانشان را سر می برید و زنانشان را [برای بهره کشی] زنده بر جای می گذاشت که وی از فسادکاران بود.

فرعون با این اعمال و فشارهای روز افزون، شهروندان عزیز را ذلیل ساخت چون عادت همیشگی حاکمان ستم پیشه در طول تاریخ همین گونه بوده است: ﴿قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَءَ أَهْلِهَا آذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ﴾. (۸)

[ملکه ی سبا] گفت پادشاهان چون به شهری درآیند آن را تباه و عزیزانش را خوار می گردانند و این گونه می کنند. هرگاه تعامل نظام های حاکم بر افغانستان در قبال دانشمندان را به بررسی بگیریم، به خوبی پی می بریم که اکثریت آنها از سیاست زورگویی فرعون تقلید کرده اند که به اثر فشار آنها تعدادی از مردم به ذلت تن داده، مطیع حاکمان مانده اند و هرچه پادشاه و زمامدار هدایت داده، از آن تبعیت کرده اند که قرآن کریم از فرعون و پیروانش این گونه تصویر برداری می کند: ﴿فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾. (۹)

پس قوم خود را سبک ساخت [و آنان را فریفت] پس اطاعتش کردند چرا که آنها مردمی منحرف بودند. اما در طول تاریخ علمای راستین در برابر خواسته های نامشروع حکام ایستادگی کرده اند، منجر به تبعید آنان گردیده است؛ زیرا فرعون خود را به حق می دانست: ﴿قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ﴾. (۱۰)

فرعون گفت جز آنچه می بینم به شما نمی نمایم و شما را جز به راه راست راهبر نیستم. برعکس شیوه ی فرعونی، قرآن نمونه ی حکومت اسلامی را در عمل کرد سلیمان علیه السلام ترسیم نموده و اذعان می دارد که رهبر و زعیم مسلمان چگونه از استعداد های متخصصین خویش استفاده نموده و جامعه را به سوی سعادت مندی و رفاهیت رهنمون می شود، چنانچه می خوانیم: ﴿قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ. قَالَ عَفْرِيُّ مَنْ الْجِنُّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ﴾.

[سپس] گفت ای سران [کشور] کدام يك از شما تخت او را پیش از آنکه مطیعانه نزد من آیند برای من می آورد. عفریتی از جن گفت من آن را پیش از آنکه از مجلس خود برخیزی برای تو می آورم و بر این [کار] سخت توانا و مورد اعتمادم.

به همین ترتیب عملکرد خلیفه دوم اسلام در زمینه الگویی است برای حکام صالح چنانچه از تصمیم خود در قبال تعیین اندازه ی مهر بعد از اعتراض زن مسلمانی منصرف شد و گفت: «أصابت امرأة وأخطأ عمر». (۱۱) زن راست گفت و عمر اشتباه کرد.

۶- غافر/ 29.

۷- القصص/ 4.

۸- النمل/ 34.

۹- الزخرف/ 54.

۱۰- غافر/ 29.

حقیقت اینست در صورتی که حکام به استبداد و خودخواهی خود ادامه بدهند و علما چشم پوشی نموده و خاموشی اختیار نمایند، دین بازیچه‌ای در دست حکام قرار می‌گیرد و هر کاری که خواستند بالای رعیت خود اعمال می‌نمایند و به این ترتیب رسالت دین فراموش شده و همانند ادیان منحرفه، می‌گردد.

هرگاه تاریخ معاصر افغانستان را مرور نماییم به خوبی در می‌یابیم که کشمکش میان حاکمان و دانشمندان با تفاوت اندکی، در تمام ادوار ادامه داشته، نه حاکمان راه گفت و گوی دلسوزانه را باز گذاشته اند و نه عالمان و دانشمندان آنگونه که اسلام حکم می‌نماید، با حکام تعامل نموده اند بلکه طرفین از راه خشونت، توهین، تحقیر، تفسیق و تکفیر پیش رفته اند که اگر گاهی حکام قادر به قتل، زندانی و تبعید علما شده اند از طرف دیگر این حکام نیز روز خوش ندیده اند؛ بلکه قدرتشان به خطر مواجه شده و سقوط نموده اند که واقعیت‌های سده‌ها و دهه‌های اخیر کشور، به آن گواه است.

در این مختصر گذاری مختصر و مستندی خواهیم داشت پیرامون مهاجرت و یا تبعید برخی دانشمندان از کشور طی صد سال اخیر و تبعات منفی و مثبت آن:

- سید جمال الدین افغانی رحمه‌الله: او از دانشمندان منحصر به فرد است که تلاش‌های بیدارگری‌اش منطقه و بخش‌هایی از جهان را در نوردید ولی حکام آن روزگار، تحمل او را در زادگاهش نداشتند.

سید جمال الدین افغانی با مطالعه‌ی دقیق و همه جانبه‌ای که از اوضاع افغانستان و جهان داشتند، دو چیز را عامل ترقی و پیشرفت جامعه می‌دانست: «اتحاد و دانش»<sup>(12)</sup> که متأسفانه هر دو عامل در ماحول سید وجود نداشت چون افغانستان در گرو یک خاندان قرار گرفته بود که عبارت از پسران امیر دوست محمد خان و آنها نیز بر سر احراز قدرت باهم جور نبودند بلکه همیشه باهم درگیر بودند و بخاطر تفوق بر دیگری دست به دامن انگلیس دراز می‌کردند که باعث جنگ و درگیری‌های زیاد شده بود، هرچند سید کوشید تا نظریات اصلاح گرایانه‌ی خود را به آنها تقدیم کند و آنها را وادارد که بخاطر رشد و ترقی کشور به آن ملتزم مانند ولی حکام به آن اهتمام نکردند و سید مجبور شد که کشور را ترک کند.

سید وقتی استبداد حاکمان و بی تفاوتی برخی علما و صوفی مشربان را میدید که بخاطر قربت به سلطان او را به چیزهایی متهم میکردند، این شعر را زمزمه می‌کرد:

علم حق در علم صوفی گم شود

این سخن کی باور مردم شود

هرچند سید جمال الدین در مهاجرت نیز آرام ننشست ولی چیز مسلم این بود که افغانها از فهم و دانش و پلان دقیق او محروم شدند.

- علامه قاری نیک محمد: موصوف یکی از اندیشمندان مخلص و دلسوز به وطن بود که بخاطر خدمت به فرزندان میهن، زندگی آرام و آسوده را کنار گذاشت و غرض تعمیم علم میان شهروندان افغانستان که سال‌ها از آن به دور مانده بودند و در تاریکی زیست داشتند، طبق وصیت پدر که علم را در خارج بخوان و تدریس را در وطن؛ پس از

- أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي، مسند أمير المؤمنين أبي حفص عمر بن الخطاب رضي الله عنه وأقواله على أبواب العلم، تحقيق: عبد المعطي قلجعي، دارالوفاء - المنصورة،<sup>11</sup> چاپ: اول، 573. 1411 هـ.ق، كتاب التفسير، ج: 2، ص:

<sup>12</sup>- محمد عثمان صدقي، سيدجمال الدين افغانی پیشوای انقلاب شرق، مؤسسه انتشارات بیهقی، وزارت اطلاعات و کلتور، 1355 ه.ش، ص: 15.

فراگیری علوم به افغانستان آمد. هرچند اراده‌ی نیکش وی را به سیاه چال‌ها انداخت و ضرب و شتم شد اما هرگز از هدفش دست بردار نشد و به راهش ادامه داد. (13)

موصوف که در حجاز و مناطق دیگر غرض فراگیری علوم سفر نموده بود، در عرصه‌ی تصنیف، تدریس، انکشاف معارف و مطبوعات خدمات شایانی نمود. (14)

ایشان چندین بار با سید جمال الدین افغانی رحمه‌الله ملاقات داشتند، سید جمال الدین که آگاه از اوضاع افغانستان و شخصیت علمی قاری نیک محمد بود؛ به وی پیشنهاد کرد که به وطن برنگردد، اما علامه شهید ترجیح داد که در کنار هموطنانش که از نعمت سواد، کم بهره بودند برود و جهت خدمت به آنان و رشد و ترقی شان، مشکلاتی را که می‌بیند، آن را نادیده بگیرد. (15)

بازگشت علامه قاری نیک محمد رحمه‌الله به وطن آنگونه که سید جمال الدین افغانی برایش گفته بود، برای حاکمان وقت خوشایند تمام نشد و برای اینکه در آینده برایشان درد سر تمام نشود، وی را زندانی کردند اما با تغییراتی که پس از مرگ حبیب‌الله خان در کشور رونما شد، بار دیگر به زندان افکنده شد و پس از رنج‌ها و تکالیفی که بالایش آمد در شب جمعه اول ماه ربیع‌الاول سال 1342 قمری مطابق سال 1302 شمسی در محبس ارگ کابل به شهادت رسانیده شد. (16)

شهادت وی ضربه‌ی جبران‌ناپذیری بود به پیکر جامعه‌ی فرهنگی آن زمان که مرثیه‌ی ملک الشعراء قاری عبدالله مبین این امر است:

داغها ماند بر دل یاران	فوت علامه قاری نیک محمد خان
عالم فاضلی که مثلش را	ندهد باز دور چرخ نشان
در قرائت نظیر او معدوم	در قناعت یگانه‌ی دوران (17)

● محمود طرزی: محمود طرزی پسر سردار غلام محمد طرزی (متولد سال 1282 ه.ق) ابن سردار رحمدل خان ابن سردار پاینده محمد خان بارگزیایی قندهاری بود که در نزدیکی‌های مرقد سلطان محمود غزنوی دیده به جهان گشود، از همین سبب او را محمود نام کردند. (18)

پدر محمود، شاعری صوفی مشرب و هنر دوست و هنرمند بود، نقاش و خوش‌نویس چیره دست بود و در شعر و هنر و ادب در میان اقران، شهرتی به سزا داشت. (19) غلام محمد طرزی در دربار امیر عبدالرحمن خان از مقربین دربار بود ولی از اینکه او با فاتح میوند سردار ایوب خان میانه‌ای خوب داشت، دیری نگذشت که به اثر تحرکات انگلیس و به اتهام اینکه با مخالفان

<sup>13</sup>- علامه قاری نیک محمد دولانه، تجوید قرآن کریم مسمی به زبده التجوید و تحفة الاطفال، ریاست تحقیقات علوم اسلامی امام قتیبه بغلانی وزارت محترم ارشاد، حج و اوقاف، سال نشر 1387 ه.ش، ص: 9-10.

<sup>14</sup>- مجله عرفان، 1389 ه.ش، ص: 20.

<sup>15</sup>- همانجا.

<sup>16</sup>- علامه قاری نیک محمد پروانی مؤلف جامع الأطراف و مبتکر مدارس رسمی، [Http://Kabullistan.blog.com](http://Kabullistan.blog.com)

<sup>17</sup>- مجله عرفان، 1389 ه.ش، ص: 20.

<sup>18</sup>- نصیر سهام، پدر ژورنالیزم افغانستان، به کوشش و اهتمام: محمد عبیدالله عتیق، الازهر کتب خانه، پشاور- پاکستان، 1378 ه.ش، ص: 4.

<sup>19</sup>- محمد اعظم سیستانی، علامه محمود طرزی شاه امان الله و روحانیت متنفذ، د افغانستان د کلتوری ودی تولنه- جرمنی، 1385 ه.ش، ص: 16.

امیر مکاتبه داشته، نخست حکم صادره‌ی اموالش صادر شد سپس زندانی شد و پس از شکنجه‌ی زیاد از وطن در جنوری 1882 تبعید شد که نخست به هند رفت و از آنجا به بغداد و شام. (20)

در این مرحله، محمود طرزی که در عنفوان جوانی قرار داشت طعم استبداد و دوری وطن را چشید، موصوف از پدر و دانشمندان شام، علوم مروجه را فرا گرفت و با شخصیت‌های مختلف در نشست و برخاست و تبادل نظریات و حصول تجارب بود.

زندگی محمود طرزی در شام و ممالک دیگر مصادف با زمانی است که دولت عثمانی رو به انقراض بود و داشته‌های غرب توسط تربیت یافتگان آن به کشورهای اسلامی سرازیر می‌شد، دانشمندان و عموم مردم زیر تبلیغات جوانان روشنفکر به سبک غربی، در صدد آن بودند تا از آنها تقلید کنند تا کشورشان همانند کشور آنها پیشرفت کند. لذا ملاحظه می‌شود احزابی که تازه روی صحنه می‌آیند و حتی در ترکیه علناً حزبی بنام (جوانان اتحاد و ترقی) به قیادت مصطفی کمال اتاتورک به قدرت می‌رسد و کوشید تا مظاهر دینی را از ترکیه دور کند و ترکیه در هرچیز جزو آنها باشد.

محمود طرزی به سان فردی که در آب غرق شده باشد و به هر طرف بخاطر نجات خود دست و پا می‌زند، دوری وطن و نابسامانی آنجا او را وادار کرد تا برای نجات آن به هر طرف و هر شخصی دست دراز کند تا کشورش از وضعیت غیر مطلوب بیرون شود.

او طی ملاقاتی که با سید جمال الدین افغانی داشت، در باب پان اسلامیزم تحت تأثیر شخصیت و افکار او قرار گرفت و او را شخصیت بزرگی معرفی کرد چنانچه می‌نویسد: مدت هفت ماه در محله‌ی بشکنش استانبول در مسافرت خانه‌ای اقامت نمودم، علی الاکثر هر روز در محفل عرفانی منزل حضرت سید که در قرب اقامتگاه بود، اثبات وجود می‌نمودم، علامه‌ی مشارالیه یک معدن عرفان بود هرکس به قدر استعداد آلات و ادوات دماغیه‌ی خود از آن معادن به استخراج فضایی کامیاب می‌آمد. این هفت ماه مصاحبت به قدر هفتاد سال سیاحت را در بر دارد. (21)

طرزی از جانب دیگر از تحولات ترکیه و اتاتورک نیز متأثر شد و از طریق سراج الاخبار ضمن معرفی افکار سید جمال الدین افغانی اعتقادات «ترکان جوان» را برای افغانها معرفی کرد و آنها را از حوادث جهان در عرصه‌های سیاسی- علمی و فرهنگی مطلع ساخت. همچنان رابطه‌ی طرزی با ترکیه، راه را برای همکاری افغان - ترکیه در عرصه‌ی تعلیم و تربیه نظامی باز کرد. (22) طرزی در موقع دفاع از کاپی کردن، در راهی که اروپا آن را انکشاف داده بود، قرار داشت و این ایده‌ی خود را بالای شاهزاده امان الله خان نیز شریک ساخت که شاه مذکور تحت تأثیر مستقیم تلقینات و تلقیات خُسرش که مردی روشنفکر، آزادی خواه و وطن پرست بود بارآمد، تا حدی که برای حصول آزادی و استقلال میهنش حاضر شد تا دست به تشکیل یک سازمان سری از غلام بچه‌گان دربار که از اشراف زادگان اطراف بودند، بزند و با تدبیر حلقه‌ی آن را به بیرون از دربار گسترش دهد. (23)

تیزهوشی و فهم بالای محمود طرزی و سفرها و ملاقاتش با شخصیت‌های مختلف، بالای فکر و اندیشه‌ی او تأثیر به‌سزایی

<sup>20</sup> عبدالبشیر شور، محمود طرزی افغانی، اتحادیه ژورنالیستان، مطبوعه دولتی، قوس 1367 ه.ش، ص: 6.

<sup>21</sup> سراج الاخبار، شماره 18، 7 جوزای 1291 ه.ش.

<sup>22</sup> علامه محمود طرزی شاه امان الله و روحانیت متنقد، د افغانستان د کلتوری ودی تولنه- جرمنی، 1385 ه.ش، ص: 36.

<sup>23</sup> ریه تالی ستیوارت، آتش در افغانستان، ترجمه از: یارمحمد کوهسار کابلی، پشاور، 2000 م، ص: 21.

نمود.

طرزی در بعد گسترش علم و ترقی وطن، از سید جمال الدین افغانی متأثر گردید که به فعالیت‌های فرهنگی پرداخت اما متأسفانه با تقلید کورکورانه از غرب و افتیدن به دامان آن، از اندیشه‌ی مصطفی کمال اتاتورک متأثر شد و دخترش ملکه ثریا و دامادش شاه امان الله را نیز متأثر ساخت و شاه جوان دست به کارهای غیر عقلانی زد که منجر به سقوط جامعه‌ی ما به جهل و نادانی و عقبمانی شد.

### مهاجرت علما و دانشمندان پس از رژیم‌های کودتایی

با میلان نظام شاهی به روسیه و همکاری نظامی اتحاد شوروی به افغانستان، تعدادی به عنوان محصل به شوروی فرستاده شدند که در آنجا مغزشویی شدند و وقتی به افغانستان برگشتند؛ برخلاف دین، شعایر دینی و عرف مورد قبول افغانها، زبان درازی کردند که با عکس العمل اقشار مختلف جامعه به ویژه جوانان دانشجو و علمای ربانی قرار گرفتند، کمونیست‌ها که روز به روز به همکاری دولت وقت، رشد کردند و جرأت یافتند که به ترور و گرفتاری مخالفان خویش بپردازند، تعداد زیادی از دانشجویان، استادان پوهنتون‌ها و علمای دین از دست ظلم و تعدی آنها مجبور شدند وطن را ترک کنند و به کشورهای همجوار به صفت مهاجر مسکن‌گزین شوند.<sup>(24)</sup>

این سلسله با رویکار آمدن کمونیست‌ها به اریکه‌ی قدرت، افزایش یافت و علاوه بر دانشمندان، محصلان، متعلمین مکاتب، طلبه‌های مدارس و اقشار مختلف کشور که از دست فشار نظام خلقی و باداران آنها به تنگ آمده بودند، کشور را ترک کردند؛ که به رغم دست به دست شدن حکومت‌ها و عوض شدن چهره‌ها، هنوزهم افغانها به ویژه دانشمندان فضای سیاسی را به خود سازگار ندیده و راهی سرزمین‌های دیگر می‌شوند.

از اینکه بعد از کودتای هفت ثور سال 1357 هـ محیط و فعالیت برای علما و دانشمندان در افغانستان تنگ شد و نمی‌توانستند در داخل کشور به خصوص مراکز دینی، علمی و فرهنگی، کار نمایند و رفع مسؤولیت نمایند تعداد زیادی از آنها به کشورهای همسایه و ممالک عربی، اروپایی و امریکایی و سایر کشورها پناهنده شدند که برخی از آنها آرام ننشستند و به تشکیل مکاتب، مدارس، پوهنتون‌ها، مراکز فرهنگی و نشر مجله‌ها و جرایدی پرداختند که هرکدام آن در جایش برای رشد سطح آگاهی دینی و فرهنگی اطفال و نوجوانان مهاجر کمک کرد که هزاران جوانان از آن بهره مند شدند.

با وصف ظروف محدود مهاجرت و تمرکز بیشتر افغان‌ها در بُعد نظامی، میدان فرهنگی نیز تا جایی توسط عده‌ای از اهل قلم گرم بود که به رغم مشکلات و دشواری‌ها، کارهایی را انجام دادند که خدمات برخی از آنها توسط استاد شهرت ننگیالی زیر عنوان «وینه په قلم کی» جمع آوری شده طوری که دکتور نورالحیب نثار در مورد چنین می‌نویسد: زمانی که شاعر و نویسنده ع، ننگیالی که نام قلمی‌اش شهرت ننگیالی است در سال 1360 هـ ش تذکره‌ی نویسندگان مهاجر و مجاهد را در کتاب «وینه په قلم کی» می‌نوشت، در مقدمه کتابش در کنار مشکلات فرا راه خودش، تصویر اوضاع خطرناک محیط افغان‌های مهاجر را بیان می‌نماید. وی نوشته است: «هرچند مولانا صاحب بشار ظاهراً کار بالای تذکره را تأیید کردند ولی به فردی گفته بود: اگر وضعیت پاکستان رو به خرابی برود و حکومت حامی مهاجرین خدای ناخواسته از بین برود، سند آماده‌ی ما موجود

<sup>24</sup>- ابودریزاده غزنوی، تاریخ سیاسی افغانستان معاصر (نهضت اسلامی افغانستان)، انتشارات حامد رسالت، کابل، 1394 هـ ش، ج: 4، ص: 166.

است... (25)

اما از آنجایی که این مقاله گنجایش درج تمام فعالان عرصه‌ی یاد شده را ندارد چون تعداد شان به هزاران نفر می‌رسد و باید کتاب‌های مفصلی در باره‌ی علما و دانشمندان مهاجر و فعالیت آن‌ها تألیف گردد، به گونه‌ی مشت نمونه‌ی خروار مهم-ترین دانشمندان و علمایی را که به همکاری یکدیگر در دیار هجرت فعالیت فرهنگی داشتند، مدارس و مکاتبی را تأسیس کردند و پوهنتون‌هایی را بخاطر ادامه تحصیلات عالی جوانان مهاجر تکشیل دادند ذیلاً به گونه‌ی حصر یادآور می‌شوم:

### فعالیت علما و دانشمندان مهاجر در پاکستان

چون پاکستان هم بیشترین مرز مشترک با افغانستان را دارد، هم از لحاظ مذهبی، هم از لحاظ ساختار قومی و عنعنات با افغانستان مشترکات زیاد دارد، بیشترین ارقام مهاجران نیز به آنجا اقامت گزیدند که بالتبع عرصه‌های فعالیت آنان در پاکستان نیز چشم گیر بود. لذا برای دریافت این واقعیت نخست مهم‌ترین مراکز تعلیمی و تحصیلی افغان‌های مهاجر را یادآور می‌شویم و سپس از مراکز فرهنگی و نشرات مهم آنها در محیط هجرت به گونه‌ی اختصار یاد می‌نماییم که توسط علمای و فضایی نخبه‌ی کشور رهبری می‌شد:

### الف: مراکز تعلیمی

پس از ورود سیل آسای مهاجران به پاکستان، احزاب اسلامی و علما و دانشمندان مهاجر بخاطر تعلیم و آموزش نوباوگان مهاجر که از درس و تعلیم باز مانده بودند و در کمپ‌های آوارگان و بعضاً شهرها زندگی اختیار کرده بودند، مدارس و مکاتب متعددی را ایجاد کردند که به همکاری هم اطفال مهاجر را تحت تعلیم قرار می‌دادند که از سوی ریاست‌های تعلیم و تربیت احزاب اسلامی تمویل می‌شدند البته مجموع مکاتب، مدارس و دارالحفاظ‌هایی که در چوکات تنظیم‌های هفتگانه در داخل کمپ‌ها و شهرهای پاکستان، فعالیت داشتند به (1378) باب می‌رسید که بعد از تشکیل حکومت موقت به جز حزب اسلامی، تنظیم‌های دیگر در برج حوت 1367 مراکز تعلیمی خود را به وزارت تعلیم و تربیه آن حکومت واگذار کردند که (1453) باب مکتب و مدرسه بودند، (26) و احصائیه آن قرار ذیل است:

شماره	نوع مدارس	تعداد
1	مدارس علوم شرعی و دارالحفاظها	193 باب
2	مکاتب ثانوی	79 باب
3	مکاتب ابتدایی	520 باب
4	مکاتب نسوان	52 باب
5	مکاتب صوبه بلوچستان	472 باب
6	مکاتب و مدارس داخل افغانستان	44 باب
7	مکاتب در سرزمین ایران	93 باب

<sup>25</sup>- محمد آصف احمدزی، د افغانستان د مهاجرت ادبیات، نورالحبیب نثار، (مجموعه مقالات)، د اطلاعاتو او عامه اریکو ریاست، 1403 هـ. ش، ص: 215. به نقل از کتاب ع. ننگیال، وینه په قلم کی (د لیکوال او شاعرانو تذکره)، د افغانستان د جهادی حیرنو مرکز، پشاور، 1368 هـ. ش، ص: مقدمه.  
<sup>26</sup>- جمیل الرحمن کامگار، تاریخ معارف افغانستان، بنگاه انتشارات میوند، 1387 هـ. ش، ص: 136-173 باختصار.



مجموع شاگردان	241955 تن
------------------	-----------

کتاب درسی این مراکز تعلیمی، از طرف مرکز نصاب تعلیمی متحد افغانستان تهیه می‌شد که مواد درسی آن توسط استاد‌های با تجربه احزاب اسلامی افغانی، آماده می‌شد. مهم‌ترین و معروف‌ترین مدارس و مکاتب مهاجران از این قرار است: لیسه سید جمال الدین افغانی که دو بخش لیلیه و نهاری داشت و در پشاور صدها متعلم را زیر تعلیم قرار داده بود، لیسه مجاهد، لیسه اتحاد، لیسه ابوبکر صدیق، لیسه قیس بن سعد. در کنار این‌ها مدارس مشهور مهاجرین که از سوی اساتید مهاجر رهبری می‌شد نیز فعالیت داشتند مانند مدرسه امام ابوحنیفه، مدرسه عبدالله بن عباس، مدرسه امام اعظم، مدرسه هجرت و جهاد، مدرسه ضیاء المدارس، مدرسه محمدیه، مدرسه عمرو بن حزم، و دهها مدرسه دیگر.

همچنان برای اطفال یتیمی که در جهاد علیه قشون شوروی، از نعمت پدر محروم شده بودند مکاتب مستقل تشکیل شده بود که مشهورین آنها عبارت بودند از: دارالایتام سلیمان رشیدی در کمپ شمشتو، دارالایتام سعد بن معاذ، دارالایتام مدینه منوره، دارالایتام کچه گری، دارالایتام ناصر باغ، دارالایتام ورسک، دارالایتام هری پور، دارالایتام مرکزی هجرت کلی، پی و دارالایتام اسراء در پشاور... (27)

افزون بر این که به همکاری برخی مؤسسات عربی و اسلامی و نظارت احزاب جهادی یک تعداد معاهد یا دارالمعلمین‌ها نیز در محیط هجرت فعالیت داشتند که امور تدریسی آن توسط استادان افغانی و عرب با منهج جدید و زبان عربی پیش می‌رفت که مشهورترین آنها از این قرار است:

1. معهد شرعی (المعهد العالی للمعلمین)
2. معهد انصار (المعهد العالی للإنصار)
3. معهد ابوحنیفه رحمه الله (معهد أبی حنیفة لإعداد الدعاة)
4. معهد عمر فاروق رضی الله عنه
5. معهد حراء (معهد حراء الإسلامی)
6. معهد طبی
7. معهد خالد بن ولید رضی الله عنه
8. معهد عبدالله بن زبیر رضی الله عنه
9. معهد ابی بکر صدیق رضی الله عنه.

#### ب: پوهنتون های محیط مهاجرت

دانشمندان و علمای بادرک مهاجر که اکثریت شان قبل از هجرت کادرهای علمی مراکز تحصیلی افغانستان بودند، جهت رشد سویی علمی و ظرفیت سازی جوانان مهاجر، در قدم دوم بعد از تأسیس مکاتب و مدارس، به گشایش مراکز تحصیلی نیز کمر همت بستند و پوهنتون هایی را تأسیس کردند که در عین زمانی که محصلان و دانشجویان مصروف تحصیل در رشته-

<sup>27</sup>- همان اثر، 203-205.

های تخصصی می‌بودند به بُعد تربیتی آنان نیز اهتمام می‌نمودند که فارغان آن مراکز، از تعلیم و تربیت خوبی برخوردار هستند، مشهورترین پوهنتون های مهاجران افغان در پاکستان: پوهنتون دعوت و جهاد، پوهنتون اسلامی، پوهنتون عبدالله بن مسعود، پوهنتون امام بخاری، پوهنتون جهاد، پوهنتون امهات المؤمنین، پوهنتون عبدالله بن مبارک، حربی پوهنتون و افغان پوهنتون بود که در رشته‌های شرعیات، اصول دین، انجیری، طب، ژورنالیزم، تعلیم و تربیه، اقتصاد، علوم اجتماعی و فاکولته‌های دیگر، دانشجویان را آموزش می‌دادند.

ج: رسانه‌های محیط هجرت

نخستین فعالیت مهاجران افغان که در پاکستان مقیم شدند، نشر نشرات بود که به گونه‌ی مجله و جریده به نشر رسید.

1. جریده: نخستین فعالیت نشراتی علما و دانشمندان مجاهد در محیط هجرت در پاکستان، تأسیس جرایدی بود که توسط هیئت تحریر و دانشمندان قلم به دست به فعالیت آغاز کرد که در سال 1357 جراید شهادت و مجاهد که نخستین مدیر مسؤولان آن انجنیر گلبدین حکمتیار و استاد برهان الدین ربانی بودند، تأسیس گردید و بعد از آن، جراید مختلف دیگر از سوی احزاب مجاهدین و شخصیت‌های علمی و فرهنگی مهاجر به فعالیت شروع کردند و در حدود (246) جریده در شهرهای مختلف پاکستان و اکثراً در پشاور و کویت به گونه‌ی هفته وار و پانزده روزه به زبان‌های دری و پشتو نشرات داشتند که در کنار گزارشات از جبهات جهادی، سوانح شهدا به نشر مقالات علمی، اجتماعی و ادبی می‌پرداختند که شایقین زیادی را به خود جلب نموده بودند. البته برخی مجله‌ها بخاطر جلب کمک‌های اهل خیر و دلسوز به جهاد و مقاومت مردم افغانستان به زبانهای عربی، اردو و انگلیسی نیز نشرات داشتند. (28)

2. مشهورترین جرایدی که میان مهاجرین دست به دست می‌شد عبارتند از: شهادت، مجاهد، کوثر، نور، پیام مجاهد، بیان، آئینه، برهان، المسلمون، النور، اتحاد اسلامی، افغان مجاهد، اخوت، الدعوة، اخلاص، الموقف، امهات المؤمنین، پیغام، امید، المجاهدون، الجهاد، اصلاح، آزادی، اراده، پیام صبا، تدبیر، صوت المعركة، صبح پیروزی .... (29) این جراید در پاکستان، ایران، کشورهای عربی، امریکا و ممالک اروپایی توزیع می‌گردید.

مجله: دومین فعالیت نشراتی علما و دانشمندان مهاجر، نشر مجله بود که در سال 1359 مجله‌های شفق و میثاق خون زیر نظر هیئت تحریر آغاز به کار نمودند و بعد از آن‌ها مجله‌های متعدد با رویکردهای مختلف توسط علما و دانشمندان قلم به دست با موضوعات جالب و متنوع به بازار عرضه شدند که حدود (186) مجله در مربوطات پاکستان نشرات داشتند. (30)

مشهورترین مجله‌هایی که از جانب علما و دانشمندان مهاجر در شهرهای مختلف پاکستان میان مهاجران توزیع می‌شدند، مجله‌ی شفق، میثاق خون، افغان ملت، افغان جهاد، البنیان المرصوص، الجهاد، النفیر العام، المرابطون، امید، الموقف،

<sup>28</sup>- احمد شاه وحدت، له هیواده بهر افغانی رسنی، سروش کتاب پلورنچی، چاپ: اول، 1398 ه. ش، ص: 153-352.

<sup>29</sup>- همانجا.

<sup>30</sup>- له هیواده بهر افغانی رسنی، سروش کتاب پلورنچی، چاپ: اول، 1398 ه. ش، ص: 5-150.

المجاهدون، پیام زن مسلمان، پوهنه، تعاون، تنویر، حق پآخون، حریت، خواهر مسلمان، خدام الفرقان، د جهاد پلوشه، ذات النطاقین، سپیدی، سپاه دانش، شرعیات، عمران، ماین هینداره، مستقبل....<sup>(31)</sup>

### فعالیت علما و دانشمندان مهاجر در ایران

چون ایران بعد از پاکستان، دومین کشور همسایه است که از داعیه‌ی جهاد افغانستان حمایت کردند و مهاجران زیادی را در قلمرو خود جا دادند، فعالیت آنان در آنجا چشم‌گیر بود.

در این مقطع نگاهی گذرا خواهیم داشت به مهم‌ترین نشراتی که در ایران فعالیت نشراتی داشتند.

نخستین مجله‌ای که در ایران از طرف علما و دانشمندان مهاجر در ایران به نشر رسید، مجله‌ی استقامت بود که تحت مدیریت حاجی معلم زاده در سال 1358 ه.ش به فعالیت نشراتی آغاز نمود و بعد از آن مجله‌های دیگری مانند انسجام، الوحدة الإسلامية، المؤمنات، افغانستان قلم، اسلام مکتب توحید، انقلاب اسلامی، الزهراء، پیام مهاجر، ندای حق، نوید پیروزی، نسل امروز، همبستگی، هجرت و نشرات دیگر به فعالیت نشراتی پرداختند و مطالبی از جبهات داخل افغانستان، موضوعات دینی، اجتماعی، ادبی و فرهنگی را به نشر می‌رساندند و میان مهاجران توزیع می‌نمودند.<sup>(32)</sup>

### رادیوهای بیرون مرزی

با استقرار مهاجران افغان در پاکستان تعدادی از خبرگان کشور جهت تنویر اذهان مردم از کارکردهای اشغالگران روسی و عمال دست‌نشانده‌ی شان و تشویق مردم به جهاد و مبارزه، رادیوهایی را نیز تأسیس نمودند که سال‌ها در داخل و خارج از افغانستان نشرات شان ادامه داشت، مانند رادیو صدای افغانستان و پیام آزادی.<sup>(33)</sup>

### مراکز فرهنگی

از میان مهاجران افغان، تعدادی از علما و دانشمندان نخبه به تأسیس ادارات و مراکز تحقیقی، فرهنگی، نشراتی، خبرگزاری و دایرة المعارف پرداختند که ذیلاً از آنها یاد آور می‌شویم:

1. شورای ثقافتی جهاد افغانستان: این نهاد علمی و مطبوعاتی در سال 1362 ه.ش توسط استاد صباح الدین کشکی و جمعی از نویسندگان مهاجر تأسیس شد و به تألیف کتب درسی مکاتب، تألیف آثاری ادبی، دینی، و تاریخی می‌پرداختند. افزون بر آن مجله افغان جهاد را نیز به نشر میرساند که تا سال 1372 فعال بود.<sup>(34)</sup>

2. مرکز نشراتی افغان: این مؤسسه در سال 1365 ه.ش توسط حاجی سید داود به فعالیت آغاز کرد و در عرصه‌ی ژورنالیزم، کورس‌هایی را دایر می‌کرد، روزانه به شصت کشور فلم‌های مستند و معلومات موثق جهاد و مهاجران افغان را ارسال می‌کرد.<sup>(35)</sup>

<sup>31</sup>- همانجا.

<sup>32</sup>- له هیواده بهر افغانی رسنی، سروش کتاب پلورنچی، ص: 353-428.

<sup>33</sup>- محمد حلیم تنویر، د افغانستان تاریخ او خپرونی، ترجمه: زبیر شفیقی او فدا محمد فیاض، د افغانستان د خپرونو او بیا ودانو انستیتوت در هالنند، 1380 ه.ش، ص: 470-471.

<sup>34</sup>- سید محی الدین هاشمی، د جهاد او مقاومت په سطحه فرهنگی فعالیتونه، دوهم توگ، (ناچاپ)، 1372 ه.ش، قلمی مسوده، ص: 30.

<sup>35</sup>- له هیواده بهر افغانی رسنی، ص: 570-571.

3. مرکز تحقیقاتی جهاد افغانستان: این مرکز در سال 1364 ه ش تأسیس شد که ریاست آن را داکتر فاروق اعظم به دوش داشت و حبیب الله رفیع، محمد عارف غروال، محمد آصف صمیم، شهرت ننگیال اعضای آن بودند و نشریه‌ی ادبی قلم را نیز به نشر می‌رساندند. (36)
  4. انجمن نویسندگان آزاد: بخاطر خدمت به مجاهدین و مهاجرین افغان در سال 1365 ه ش به مدیریت پروفیسور عبدالرسول امین تأسیس گردید که ده‌ها اثر ادبی، تاریخی، سیاسی و معلوماتی را به نشر می‌رساندند، این انجمن یک مجله و جریده‌ای بنام وفا را نیز به نشر می‌رساندند. (37)
  5. مرکز اطلاعاتی افغان: این مرکز بخاطر خدمت فرهنگی مجاهدین و مهاجرین افغان در سال 1359 ه ش تأسیس گردید که مؤسس آن پوهاند دکتور سید بهاء‌الدین مجروح بود که علاوه بر گزارش‌های خبری، به نشر کتاب‌های ادبی، تاریخی و سیاسی نیز می‌پرداخت و به زبان‌های دری، پشتو و انگلیسی به نشر می‌رسید. (38)
  6. کانون ترجمه آثار جهادی افغانستان: در سال 1365 ه ش غرض خدمت فرهنگی به مهاجران و مجاهدان افغان توسط پوهاند محمد یوسف علمی به فعالیت آغاز کرد و ده‌ها آثار ادبی، تاریخی و سیاسی زندگانی و وضعیت مجاهدان و مهاجران افغان را ترجمه کردند که مجله‌ای بنام افغانستان در مطبوعات جهان را نیز به نشر می‌رساندند و به زبان‌های دری، پشتو و انگلیسی به نشر می‌رساندند. (39)
  7. انجمن دایرة المعارف جهاد افغانستان: این انجمن در سال 1368 ه ش در پشاور تحت ریاست قاضی نجی الله به فعالیت آغاز کرد که آرشیف غنی آثار نشراتی جهاد افغانستان را گرد آورده بود و کارهای زیاد فرهنگی را انجام داد و در سال 1371 فعالیتش بند شد. (40)
  8. مرکز فرهنگی اسلامی افغانستان: این مرکز در سال 1368 ه ش توسط تعدادی از جوانان بادرک و فهیم جهت رشد و بالندگی سطح فرهنگی در میان مهاجران افغان دست به فعالیت زد که مجالس، علمی، سیمینارها، کنفرانس‌ها، مسابقات فرهنگی میان جوانان، سیرهای علمی و تهیه افلام جهادی، تربیتی و سرگرمی مفید تدویر می‌نمودند.
- این نهاد جوانان زیادی را تحت تربیت فکری و فرهنگی قرار داد که نتایج خوبی را به بار آورد و نشراتی زیر عناوین مستقبل و پیغام را به نشر می‌رساندند که قلم‌های نورس را با خود جلب کردند و رشد دادند. (41)

<sup>36</sup>- د جهاد او مقاومت په سطحه فرهنگي فعالیتونه، دوهم توگ، ص: 30.

<sup>37</sup>- د افغانستان تاریخ او خپرونی، ص: 581.

<sup>38</sup>- همان اثر، ص: 575.

<sup>39</sup>- د افغانستان تاریخ او خپرونی، ص: 586.

<sup>40</sup>- د افغانستان تاریخ او خپرونی، ص: 587.

<sup>41</sup>- همان اثر، ص: 585.

قابل ذکر است که ترکیب بنده روی مهاجرت علما به پاکستان و ایران و فعالیت‌های علمی و فرهنگی آنها، به این دلیل است که بیشترین تعداد علما و سایر مهاجرین در همین کشورها بود لذا سطح فعالیت آنها نیز در این کشورها بیشتر بود اما بحث روی تمام علما و دانشمندان مهاجر ایجاب کتاب قطوری را می‌نماید.

### علل مهاجرت علما و دانشمندان در ده سال اخیر

با آنکه پس از روی کار آمدن حکومت موقت به رهبری حامد کرزی، جمع‌گیری از مهاجران به ویژه دانشمندان و علما به کشور عودت کردند و در زمینه‌های مختلف مصروف کار شدند اما به مرور زمان و با تشکیل جزایر قدرت و ترورهای پیهم علما و قلم به دستان کشور، تعدادی زندگی شان در کشور به خطر مواجه شد و افغانستان را به قصد کشورهای دور و نزدیک، ترک کردند که این سلسله پس از سقوط نظام جمهوریت گسترش یافت و عده‌ای که به نحوی وجود خود را در خطر می‌دیدند و یا وظیفه‌ی خود را از دست دادند، به کشورهای دیگر پناهنده شدند که متأسفانه زندگی خوشی ندارند و با مشکلات عدیده‌ای دچار هستند که از روی ناگزیری وطن را ترک و در عالم سرگردانی قرار دارند.

### پیامدهای منفی مهاجرت علما و دانشمندان

مهاجرت علما و دانشمندان از کشور، تبعات منفی‌ای به دنبال داشت که اینک به اختصار به آن پرداخته می‌شود:

- 1- محروم شدن افغان‌ها از علمای مصلح و دلسوز.
- 2- دوام استبداد و یکه تازی در کشور.
- 3- گسترش نابسامانی در کشور.
- 4- قناعت مردم به آنچه دولت برایشان می‌داد.
- 5- گرویده شدن به افکار و تجارب کشورهای دیگر و کاپی برداری آن برای افغانستان.
- 6- افراط در انتقال افکار غرب و غربگرایان و ترویج و تطبیق آن در افغانستان.
- 7- حمله بالای رسوم مردم افغانستان که سال‌ها به آن عادت کرده بودند.
- 8- بنام اصلاحات؛ مقید ساختن برخی احکام فقهی به جبر و اکراه که عکس العمل شدیدی را در قبال داشت.
- 10- عدم رعایت تدریج در ترویج و تطبیق برخی مفاهیم جدید.
- 11- آشکار شدن دختران افغان از جمله ملکه ثریا و محصلین افغان با لباس غیر شرعی و نامأنوس که برای مردم هنوز هم قبیح است.
- 12- تاخت و تاز بر لباس‌های زنان مانند برقع و چادری و دور افگندن آن که باعث عکس العمل تند علما و عموم مردم شد که گویا اینها کافر شده اند.

### پیامدهای مثبت مهاجرت علما و دانشمندان

مهاجرت علما و دانشمندان به خارج وطن، پیامدهای مثبتی نیز با خود داشت که برخی آن را ذیلاً یاد آور می‌شویم:

1. مهاجرت علمای کشور در مقاطع مختلف، سبب سلامتی جان و نجات آنها از شکنجه و زندان گردید.
2. مطالعه و فهم آنها بالا رفت، چرا که با دانشمندان مختلف که در عرصه‌های مختلف علوم، تبحر داشتند، در رفت و آمد بودند و از داشته‌های علمی آنها بهره مند شدند.
3. تجارب زیادی را در میدان‌های متعدد زندگی آموختند.
4. به تربیت شاگردان زیادی اقدام نمودند که در پخش و نشر اندیشه‌ی شان کمک کردند.

5. ایجاد نشرات چاپی مانند مجله و جریده.
6. تماس با زمامداران کشورهای میزبان و ارسال نامه به آنها و دادن مشوره به آنها جهت آوردن اصلاحات در کشور.
7. انتقال علم و دانش جدید و تجارب شخصیت‌ها و کشورهای دیگر، به افغانستان.
8. فعالیت منظم روزنامه نگاری در افغانستان و نشر مقالات روشنگرانه و بیداری از آن طریق به مردم که باعث تحول بزرگی میان اقشار مختلف جامعه به خصوص سواد داران گردید.
9. تعمیم کتاب و مقاله نویسی در کشور و از آن طریق تشویق مردم به علم و دانش.
10. بیدار سازی مردم و مبارزه با استعمار و اشغالگران.
11. مبارزه با رسم و رواج‌های ناپسند که جزو دین شمرده می‌شدند.

### نتیجه

از خلال مطالب گذشته نتایج ذیل به دست می‌آید که برخی آن به علما و دانشمندان بر می‌گردد و برخی دیگر مسئولین امارت اسلامی افغانستان.

1. صبر و استقامت: علما و دانشمندان ما طی سال‌های سال، در برابر نابسامانی‌ها و مشکلاتی که در سر راهشان قرار داشت، شکیبیا و ثابت قدم بودند. آنها در انتظار زندگی پر زرق و برق نبودند، بلکه عزت و سربلندی وطن در سایه اسلام، آرزوی آنها بود. آنها ترجیح دادند در کنار مردم خود باشند و هر نوع مشکلات درین راه را تحمل نمودند، و تا مجبور نشدند، راه مهاجرت اختیار نکردند.
2. خودداری مسئولین از وضع محدودیت‌های غیر شرعی و غیر ضروری: انسان مؤمن باید تحت اذیت و پیگرد بی مورد قرار نگیرد، عمر رضی الله عنه به عمرو بن عاص رضی الله عنه که یک بار فرزندش، یکی از ساکنان مصر را به ناحق تازیانه‌ای زده بود. آن مرد به مدینه آمد و نزد عمر رضی الله عنه شکایت آورد. عمر رضی الله عنه عمرو و فرزندش را احضار نمود و برایش گفت: «مَتِي اسْتَعْبَدْتُمُ النَّاسَ وَقَدْ وَلَدْتُهُمْ أُمَّهَاتُهُمْ أَحْرَارًا؟» (42) شما از کی مردم را برده‌ی خود قرار داده اید در حالی که مادرانشان آنها را آزاد به دنیا آورده اند.
3. آزادی در بیان نصیحت: دین اسلام، به انسان آزادی داده است تا حقایق را بگوید و بخاطر بهبود و به نیت خیر و صلاح وطن اسلامی، به اولیای امور نصیحت کند. چنانچه مردی به عمر رضی الله عنه گفت: از الله بترس، ای امیر المؤمنین! به خدا قسم، موضوع را طوری که گفتم نیست. سپس برخی به سمت آن مرد رفتند و گفتند: به امیر المؤمنین بدگویی نکن. وقتی عمر دید که آنها به سمت مرد می‌روند، گفت: دست بردارید، «اگر اینها سخن را به ما نگویند، هیچ خیری در آنها نیست و اگر ما سخن شانرا قبول نکنیم، هیچ خیری در ما هم نیست» (43).

<sup>42</sup>- علی محمد صلابی، زندگانی عمر رضی الله عنه، المكتبة الشاملة، القسم: اصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم، ص: 537.

<sup>43</sup>- عمر بن شبة (واسمه زيد) بن عبدة بن ربيعة النميري البصري، أبو زيد، تاريخ المدينة لابن شبة، تحقيق: فهميم محمد شلتوت، طبع على نفقة: السيد حبيب محمود أحمد - جدة، 1399 هـ ق، باب تقديرالدية في عهد عمر رضی الله عنه، ج: 2، ص: 773.

## منابع

1. قرآن کریم.
2. صدقی، محمد عثمان سیدجمال الدین افغانی پیشوای انقلاب شرق، مؤسسه انتشارات بیهقی، وزارت اطلاعات و کلتور، 1355 هـ ش.
3. دولانه ای، علامه قاری نیک محمد، تجوید قرآن کریم مسمی به زیادة التجوید و تحفة الاطفال، ریاست تحقیقات علوم اسلامی امام قتیبه بغلانی وزارت محترم ارشاد، حج و اوقاف، سال نشر 1387 هـ ش.
4. أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي، مسند أمير المؤمنين أبي حفص عمر بن الخطاب رضي الله عنه وأقواله على أبواب العلم، تحقیق: عبد المعطي قلعجي، دارالوفاء - المنصورة، چاپ: اول، 1411 هـ ق.
5. مجله عرفان، 1389 هـ- ش.
6. دولانه ای، علامه قاری نیک محمد دولانه ای پروانی مؤلف جامع الأطراف و مبتکر مدارس رسمی، [Http//Kabullistan.blog.com](http://Kabullistan.blog.com)
7. مجله عرفان، 1389 هـ- ش.
8. سهام، نصیر، پدر ژورنالیزم افغانستان، به کوشش و اهتمام: محمد عبیدالله عتیق، الازهر کتب خانه، پشاور- پاکستان، 1378 هـ ش.
9. سیستانی، محمد اعظم، علامه محمود طرزی شاه امان الله و روحانیت متنفذ، د افغانستان د کلتوری و دی تولنه- جرمنی، 1385 هـ ش.
10. شور، عبدالرشید محمود طرزی افغانی، اتحادیه ژورنالیستان، مطبعه دولتی، قوس 1367 هـ ش.
11. سراج الاخبار، شماره 18، 7 جوزای 1291 هـ ش.
12. کلتوری و دی تولنه، علامه محمود طرزی شاه امان الله و روحانیت متنفذ، د افغانستان د کلتوری و دی تولنه- جرمنی، 1385 هـ ش.
13. ستیوارت، ریه تالی، آتش در افغانستان، ترجمه از: یارمحمد کوهسار کابلی، پشاور، 2000 م.
14. غزنوی، ابوذرپیرزاده، تاریخ سیاسی افغانستان معاصر (نهضت اسلامی افغانستان)، انتشارات حامد رسالت، کابل، 1394 هـ ش.
15. سید قطب، في ظلال القرآن، المكتبة الشاملة، القسم: تفسيرالقرآن العظيم.
16. احمدزی، محمد آصف، د افغانستان د مهاجرت ادبیات، نورالحبيب نثار، (مجموعه مقالات)، د اطلاعاتو او عامه اریکو ریاست، 1403 هـ ش.
17. ننگیال، شهرت، وینه په قلم کی (د لیکوال او شاعرانو تذکره)، د افغانستان د جهادی حیرنو مرکز، پشاور، 1368 هـ ش.
18. کامگار، جمیل الرحمن، تاریخ معارف افغانستان، بنگاه انتشارات میوند، 1387 هـ ش.
19. وحدت، احمد شاه، له هیواده بهر افغانی رسنی، سروش کتاب پلورنحی، چاپ: اول، 1398 هـ ش.
20. حلیم تنویر، محمد د افغانستان تاریخ او خپرونی، ترجمه: زبیر شفیقی او فدا محمد فیاض، د افغانستان د خیرنو او بیا ودانو انستیتوت در هالند.

21. هاشمی، سید محی الدین، د جهاد او مقاومت په سطحه فرهنگي فعالیتونه، دوهم توگ، (ناچاپ)، 1372 هـ. ش، قلمی مسوده.
22. صلابی، علي محمد، زندگاني عمر رضي الله عنه، المكتبة الشاملة، القسم: اصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم.
23. البصري، عمر بن شبة (واسمه زيد) بن عبدة بن ربيعة النميري أبو زيد، تاريخ المدينة لابن شبة، تحقيق: فهيم محمد شلتوت، طبع على نفقة: السيد حبيب محمود أحمد - جدة، 1399 هـ ق، باب تقديرالدية في عهد عمر رضي الله عنه.
24. قطب، سيد، في ظلال القرآن، موقع شبكة مشكاة الإسلامية، المكتبة الشاملة، القسم: تفسيرالقرآن العظيم.
25. العمادي، عبدالله، لا خير فيكم إن لم تقولوها ولا خير فينا إن لم نقبلها، إسلام أون لاين: <https://islamonline.net/%D1B%8A%D8%9AE%D%8-%D7A%8D%84%9> تاريخ مراجعه: 2/4/1404 هـ. ش.
26. دهخدا، علي اكبر، ديوان دهخدا، عنوان: مردم آزاده، به كوشش دكتور سيد محمد دبيريياقي، چاپ: دوم، 1361 هـ. ش.
27. قاسم، عبدالستار غروب روشنفكران عرب، مترجم: محمد رضا بلوردي و ميترا فرهادي، مؤسسه مطالعات انديشه سازي نور، چاپ: اول، زمستان 1388 هـ. ش.